رشد معنویت در آمریکا

پدید آورنده : ترجمه و تنظیم: بهمن بهساز ، صفحه 40

|  |
| --- |
| یک نسل پیش، در بعضی از مناطق آمریکا مانند «منهتن» به نظر می رسید که مردم در مسیر دور شدن از خدا هستند. در سال 1966 مجله «تایم» دو جنازه سیاه و سرخ کشیده بود و از معنای الوهیت سؤال کرده بود. مسئله به علم مربوط می شد یعنی چیزی که نمی توان آنرا به روش علمی شناخت. اما امروز در عصر تبلیغ 24 ساعته تلویزیون دیگر کسی چنین مقالاتی نمی نویسد. تاریخ نشان می دهد که متفکران نگران در مجله تایم که تصور مبهمی از الوهیت را مطرح می کردند شامل تمام کشور نمی شدند. آنچه در سال 1966 مرده بود وجود الوهیت با حسن ظن بدون عقلانیت بود. چیزی که به جای آن می تواند دوباره رشد کند تجربه مستقیم و عالی از مسئله الوهیت است که بارها از زمان «معبد سلیمان» تجلی یافته است. از این رو مجله «نیوزویک» تصمیم گرفت مسئله ایمان را به طور مفصل بررسی کند. برای همین منظور به برخی کلیساها و مساجد سر زد و با فعالان مذهبی گفت وگو کرد. همچنین با همکاری سایت «بلفنت» اقدام به یک نظرسنجی کرد که شامل بیشتر اقشار دینی می شود. ما به هرجا رفتیم شاهد رشد معنویت بودیم. در مراسم وابستگان به کلیسای «پنتکوستال» که به خاطر فریادها و پایکوبی موجب بی هوشی می شود. در کلیساهای کاتولیک که عبادت کنندگان در نیمه شب به تنهایی ساعت ها در قربانی مقدس تفکر می کنند. در مراکز یهودی که با روش های «کابالایی» صوفی خدا را جست وجو می کنند. همچنین در احیای ادیان بت پرستانه که در ظواهر عالم طبیعت به دنبال خدا می گردند و نیز در فرقه «ذن» و دیگر شاخه های بی شمار بودایی که طرفداران آن از طریق تفکر و دعا به دنبال روشنگری هستند. در تلاش مسلمانان آمریکایی برای رشد اسلام که بیشتر از همه به دنبال خداوند است. اکنون در آمریکا مسئله گرایش به یک دین خاص مهم ترین چیز نیست. بلکه مهم تر از همه گرایش به معنویت و عالم بالا است. طبق نظرسنجی به عمل آمده از هر 10 آمریکایی 8 نفر معتقدند که بیش از یک دین و اعتقاد می تواند راه نجات باشد و این چیزی است که در مدارس نیاموخته اند. همچنین از هر 5 نفر یک نفر دین خود را در مرحلة رشد تغییر داده است. میان این آمار 79 درصد خود را معنویت گرا توصیف می کنند و 64 درصد می گویند که متدین هستند همچنین 79 درصد معتقدند که با ادیان دیگر هم می توان به نجات و آسایش رسید و به بهشت رفت. اکنون به سؤالات و جواب های داده شده اشاره می شود.  **بهترین عبارتی که شما را توصیف کند چیست؟**  24 درصد معنویتگرا اما غیرمتدین، 9 درصد متدین اما غیرمعنویت گرا، 55 درصد متدین و معنویت گرا، 8 درصد غیرمعنویت گرا و غیرمتدین، 4 درصد نمی دانم.  **معنویت چه مقدار در زندگی روزانه شما اهمیت دارد؟**  57 درصد خیلی مهم است، 27 درصد به نوعی مهم، 7 درصد خیلی مهم نیست، 7 درصد اصلاً مهم نیست، 2 درصد نمی دانم.  **آیا بین عبادت های دینی شما در امروز و گذشته تغییری حاصل شده است؟**  38 درصد همان ها هستند، 30 درصد بیشتر آنها عوض نشده، 9 درصد بیشتر آنها عوض شده، 11 درصد کاملاً عوض شده، 4 درصد بی دین شده ام، 3 درصد در گذشته به هیچ دینی گرایش نداشتم، 5 درصد نمی دانم.  **چرا کارهای دینی انجام می دهید؟**  39 درصد برای ارتباط شخصی با خدا، 30 درصد تا کمک کند شخص بهتر و دارای زندگی بهتری باشم، 17 درصد تا به آرامش و سعادت برسم، 10 درصد برای ارتباط با محیطی عظیم تر، 8 درصد برای معنا دادن به زندگی و تنظیم آن، 3 درصد تا بخشی از جامعه باشم، 13 درصد به دلایل مختلف.  **شرکت شما در این فعالیت های دینی یا معنوی چه مقدار است؟**  64 درصد هر روز، 29 درصد نه همیشه، 21 درصد در فعالیت های غیر مرتبط با کلیسا یا مسجد یا ...، 20 درصد کتاب مقدس یا قرآن یا ... می خوانم، 2 درصد به کلیسا و مراسم مذهبی می روم.  **چه وقت احساس می کنی بیشترین رابطه را با خدا داری؟**  40 درصد در تنهایی، 21 درصد در طبیعت، 21 درصد در عبادتگاه، 6 درصد وقتی با دیگران هستم، 2 درصد وقتی یک متن مقدس (کتاب مقدس، قرآن، ...) می خوانم، 6 درصد در هیچ حالتی، 4 درصد نمی دانم.  **آیا به اینکه خدا جهان را خلق کرده ایمان داری؟**  80 درصد آن را خدا خلق کرده، 10 درصد آن را خدا خلق نکرده، یک درصد به خدا ایمان ندارم، 9 درصد نمی دانم.  **کدام یک از احتمالات زیر مهم ترین هدف دعا و نماز است؟**  27 درصد طلب ارشاد از خداوند، 23 درصد شکرگزاری برای خدا، 19 درصد نزدیکی به خدا، 13 درصد کمک به دیگران، 9 درصد بهبود زندگی شخصی، 4 درصد احتمالات دیگر، 5 درصد نمی دانم.  **بعد از مرگ چه رخ می دهد؟**  67 درصد ارواح به بهشت یا جهنم می روند، 13 درصد بهشت یا جهنم وجود ندارد اما ارواح در سرزمینی روحانی زندگی می کنند، 6 درصد همه چیز پایان می یابد و روحی وجود ندارد، 5 درصد روح در مخلوق دیگری نمود می یابد، 9 درصد نمی دانم.  از میان جمعیت آمریکا: 5/29 میلیون نفر هیچ گونه فعالیت دینی ندارند، 7/7 میلیون نفر فعالیت های دینی غیر مسیحی دارند و 150 میلیون نفر دارای فعالیت های دینی مسیحی هستند.  برخی اصطلاحات دینی رایج  در آمریکا حتی دانشمندان علم الهیات هم برای فهم اصطلاحات دینی در زحمت هستند. در زیر به برخی از این اصطلاحات اشاره شده است.  کاریزماتیک (Charismatics): شروع دهة 60 گذشته، منطقه: کالیفرنیا: نژاد پرستانی هستند که به کلیساهای اصلی وابسته اند.  کرسیلو(Cursudllo): شروع دهة 50 قرن گذشته، منطقه: مایورکای اسپانیا، یک درس کوتاه سه روزه که شامل گفت وگوها و دعاها برای مساعدت فرد کاتولیک در تقرب بیشتر به خداوند است برای وابستگان به این فرقه کافی است.  انجیلی (Evangelicalism): 1846 ـ لندن، جنبشی پروتستانی است که بر اهمیت کتاب مقدس بین اتباع خود ت.کید می کند.  بنیادگرایی (Fundamentalism): 1883 ـ انتاریوی کانادا، نوعی از محافظه کاران انجیلی که بر عصمت کتاب مقدس و اینکه دقیقاً کلام خدا است، تأکید دارند. این افراد دارای اصول اخلاقی شخصی شدیدی هستند.  هسیدیسم (Hasidism): دهه 40 قرن 18 ـ اوکراین، شاخه ای از جنبش یهودی ارتدوکسی است که بر تقوی و عبادت خدا به طور مستقیم تأکید دراد. اعضای این فرقه لباس هایی شبیه لباس های روستاییان روسی در قرن 18 را به تن می کنند.  کابالا (Kabbalah): قرن 12 فرانسه، گونه ای از تصرف یهودی که بر کشف معانی مخفی تورات از طریق تفکر و بررسی ریشه ای در صوحر که یک کتاب آرامی است تمرکز دارد.  بت پرست: قرن 21 اروپا، بیشتر بت پرستان معاصر اعمال قبل از مسیحیت را به شیوه های جدید وارد کرده اند. طبیعت محور معنویات آنها است و مراسم آنها در پایان هر فصل برگزار می شود.  پنتکوستال: 1901 ـ کانساس از اشکال مسیحیت است که بر معبودیت روح القدس تأکید دارد.  صوفی: قرن 7 ـ خاورمیانه ـ سنت صوفی اسلامی برای تقرب به خدا از طریق تفکر تلاش می کند. افراد پایبند به سنت های صوفی، تقلیدهای غیر اسلامی رایج در غرب را قبیح می دانند.  ویکا: دهه قرن 20 ـ انگلستان، بزرگ ترین شاخه بت پرستی در آمریکا است. اعضای این گروه گاهی جاودگر هم نامیده می شوند.  ذن: حدود سال 520 ـ چین، ریشه در فرقه بودایی دارد و بر تفکر برای درک حقیقت تأکید دارد. معمولاً وابستگان به این فرقه بر سئوال هایی تمرکز می کنند که معنایی ندارد و «کوان» نامیده می شود.  همچنین دانشگاه نیویورک در سال 2001 از 50 هزار آمریکایی با نژادهای مختلف در مورد مسائل دینی نظرخواهی کرد که نتایج زیر بخشی از آنها است.  دینداری یا لاییک بودن بر مبنای نژاد  آسیایی: 28 درصد متدین، 34 درصد تا حدی متدین، 9 درصد تا حدی لاییک، 21 درصد لاییک، 8 درصد نمی دانند یا جواب نداده اند.  سیاه: 49 درصد متدین، 32 درصد تا حدی متدین، 5 درصد تا حدی لاییک، 12 درصد لاییک، 8 درصد نمی دانند یا جواب نداده اند.  سفید: 37 درصد متدین، 40 درصد تا حدی متدین، 7 درصد تا حدی لاییک، 10 درصد لاییک، 6 درصد نمی دانند یا جواب نداده اند.  گرایش به ادیان بر مبنای نژاد  کاتولیک رومی: 64 درصد سفید، 3 درصد سیاه، 3 درصد آسیایی، 29 درصد لاتین، 2 درصد غیره.  تعمیدی: 64 درصد سفید، 29 درصد سیاه، 5 درصد آسیایی، 3 درصد لاتین، 2 درصد غیره.  یهودی: 73 درصد سفید، 8 درصد سیاه، 5 درصد آسیایی، 11 درصد لاتین، یک درصد غیره.  بی دین: 92 درصد سفید، یک ردصد سیاه، یک درصد آسیایی، 5 درصد لاتین، یک درصد غیره.  بودایی: 32 درصد سفید، 4 درصد سیاه، 61 درصد آسیایی، 2 درصد لاتین، یک درصد غیره.  پی نوشت:  شرق، ش 598، 19/7/1384 به نقل از: مجله نیوزویک. |